

# وقایع افغانستان از 2001 تا 2014 میلادی

## فصل هشتم

### (بخش 30)

## حضور جواسیس خارجی در افغانستان

### و رویداد های تروریستی در منطقه

افغانستان، تنها دچارِ اختاپوسِ آی.آس.آی در منطقه نبود (و نیست)، بلکه سایر سازمانها و شبکه های استخباراتی منطقه و جهان نیز با اشکال و شیوه های مختلف علیه افغانستان دست بکار بودند و هستند.

قرارگزارشِ نشریه " شبکه اطلاع رسانی افغانستان " که بتاريخ نهم ماه سرطان 1392 خورشیدی از قولِ روزنامه " میتل دویچه سایتونگ " نوشت : " ... سرویس اطلاعاتی آلمان } بی. ان. دی { به دستورِ دفترِ صدراعظم به انجام اقداماتِ جاسوسی از همه اعضای دولت و وزارتخانه های افغانستان مشغول است. دفتر صدراعظم آلمان مسولیتِ همآ هنگیِ ماموریت های برون مرزی سرویس اطلاعاتِ خارجی این کشور را بر عهده دارد... به دستور دفتر صدراعظم آلمان، در تمام دولت و وزارتخانه های افغانستان با استفاده از ابزارِ اطلاعاتی، جاسوسی میشود که یکی از دلایل اصلی آن نیز وجود فسادِ مالی گسترده در دستگاه اداری افغانستان عنوان شده است ... برای آنکه ( بی. ان. دی ) بتواند در راستای انجامِ ماموریت خود به راحتی به اطلاعاتِ مورد نیاز دست یابد به مقام های افغانستانی پول های زیادی پرداخت میکند و حتی در برخی موارد تماس های تلفونی و پیام های الکترونیکی مسوولان افغانستان را نیز کنترل میکند."

متعاقب همین گزارشها، از قول سخنگوی اداره " امنیت ملی " افغانستان بیان داشتند که " برخی از روزنامه ها و تلویزیونها از سوی کشورهای ایران و پاکستان تمویل میشوند و سوژه ها و برنامه های خود را از این کشور ها میگیرند. "

" لطف الله مشعل " سخنگوی اداره امنیت گفت که " از روزنامه انصاف، تلویزیون تمدن و تلویزیون نور میتوان به عنوان رسانه هایی نام برد که از سوی جمهوری اسلامی ایران و تلویزیون شمشاد و ژوندون از سوی کشور پاکستان تمویل و حمایت میشوند... باساس یافته های اداره امنیت ملی افغانستان، در تلویزیون شمشاد، دوازده نفر تبعه پاکستان که اکثراً سیاست گزاران نشراتی این رسانه میباشند و در تلویزیون ژوندون یک نفر تبعه پاکستانی که رابطه نزدیک با آی.اس.آی پاکستان دارد، مشغول کار میباشند... (93)

یکی از نشریه های برون مرزی افغانها چاپ کانادا (افغان رساله) در شماره ماه فبروری سال 2013 میلادی خویش از قول امرالله صالح سابق رییس اداره جاسوسی دولت حامد کرزی نوشت : " ... ایران در قبال افغانستان سیاست چند گانه دارد... ایران از طریق حوزه فم با گروه های مذهبی شیعه در افغانستان همکاری و در تأمین امور مالی مساجد و آموزش روحانیون شیعه کمک میکند... دستگاه استخبارات ایران در افغانستان در پی جمع آوری اطلاعات محرمانه است و برای رسیدن به این هدف تلاش میکند روابط خود را با نهاد های مختلف حکومت افغانستان بهبود بخشد... پاسداران جمهوری اسلامی ، نیرویست که بیشتر از همه اختیارات و امکانات دارد در درون و بیرون ایران به گونه گسترده فعالیت میکند... سیاست های ایران در قبال افغانستان و افغانها، ایران را نیز به همسایه ای تبدیل کرده که حساسیت های عمومی نسبت به آن بالا رفته است ..."

شبکه اطلاع رسانی افغانستان در شماره مؤرخ ماه اسد سال 1392 خورشیدی خویش نوشت که : " مقامات سازمان سیا پس از شناخت دولت مردان افغانستان، دریافتند که نیاز نیست برای جمع آوری اطلاعات از هوا پیما های بدون سر نشین و تجهیزات پیشرفته جاسوسی استفاده کنند. در افغانستان با پرداخت کمی رشوت و اعطای مقداری تسهیلات، میتوان هر مقامی را مطیع امر خود کرد، آنهم نیرو های وفاداری که حق نان و نمک را به خوبی میدانند. " بقول این شبکه خبری، " ریچارد بیل افسر ارشد سازمان سیا در افغانستان و پاکستان گفته است که افغانستان بصورت اساسی

روشِ سیا را تغییر داد و باعث شد تا جاسوسی برای سازمان، کم اهمیت شود و بیشتر به تشکیل تیم های شبه نظامی وفادار به دولت بپردازد. خبرگزاری مذکور علاوه کرد که " در حال حاضر، سازمان سیا در افغانستان جاسوسانِ وطنی فراوانی دارد که مطیع تر از نیرو های فعال سیا برای این سازمان فعالیت میکنند. این موضوع آنقدر فرا گیر شده که جناب کرزی علناً اذعان داشت که ساکهای {بکس های} پُر از پول را در چند سال گذشته از سازمان سیا دریافت میکرده است. "

جریانِ سرزیرشدنِ جواسیسِ کشورهای مختلفِ جهان، بخصوص ایران و پاکستان پس از سالهای 2001 میلادی، موازی با صدورِ تروریسم از خارجِ بدخلِ قلمرو افغانستان، بحدی بوده که شرح آن، ایجاب تکاپوی فنی، دقیق و همه جانبه درازمدت را مینماید. تبلور گسترده گی چنین فعالیتهای اطلاعاتی خرابکارانه در داخلِ کشور را میتوان در وجودِ تداوم انفجاراتِ خونین، عملیاتِ انتحاری، تداومِ نا امنی سراسری، مختل سازی روندِ زنده گی روزمره مردم، آتش سوزی های متواتر در مجتمعاتِ تجارتی کابل و ولایات، بحرانِ اقتصادی، آشفته گیهای بیشتر اوضاع کشور، ناکامی ها در امور برنامه ها و پروژه های مختلفِ زنده گی ملی و نفوذِ عناصرِ خرابکار تا عمقِ تشکیلات و آدرس های دولتی مشاهده نمود.

حامد کرزی رییس جمهور افغانستان، طی سخنرانی هایش، چند مرتبه تلویحاً اشاره به وجودِ آنده از کارمندانِ عالیرتبه دولت نمود که بقولِ وی در خدمتِ خارجی ها قرار دارند. او برخلافِ اصولِ دولتمداری، عکسِ سوگند و تعهد خویش و مغایرِ مقتضیاتِ منافع ملی، هیچگاه از کارمندانِ عالیرتبه یی که به کشورهای خارجی جاسوسی میکنند، نام نبرد و یا آنها را مجازات نکرد. همچنان، هیچگاه دیده و شنیده نشد که همان نهاد های قضایی و امنیتی (تنظیمی- جهادی)، یکنفر از جاسوسانِ خارجی و یا تروریستانِ دستگیر شده را به اشدِ مجازات محکوم کرده باشند. این دستگیری ها و گزارش ها در حالی منتشر شدند که با صراحت گفته میشد سازمانِ آی.اس.آی پاکستان تعداد زیادی از جاسوسانِ افغانی خویش را در درونِ دولتِ وحتا تا دفترِ کارِ حامد کرزی نیز جا بجا نموده است.

سر و صدای مربوط به موجودیت جواسیس پاکستان در درون نهاد های دولتی افغانستان بعنوان (ستون پنجم)، در سالهای نخست ریاست جمهوری محمد اشرف غنی در سطح رسانه های داخلی اوج گرفت. جنرال عبدالرشید "دوستم" که بحیث معاون اول رییس جمهور کار میکرد، به تکرار و بخصوص در مواقع حدوث انفجارها در داخل شهر کابل اظهار داشت که افراد و عناصر انتحاری و خرابکاران مسلح از آسمان نازل نمیشوند، بلکه کسانی {جاسوسان و عناصر مقتدر داخلی} هستند که آنها را از مرز عبور داده تا هدف های شان به داخل پایتخت انتقال میدهند. عبدالرب رسول سیاف یکی از رهبران جهادی نیز بارها طی سخنرانی هایش در جمع شهریان با صراحت گفت که " تروریستها توسط موترهای شیشه سیاه {متعلق به مامورین بلند رتبه دولتی} به داخل کابل انتقال داده میشوند... اعلامیه های گروه طالبان در کارته وزیر اکبر خان نوشته میشوند... همین حالا {جواسیس} که در بالاها کار میکنند، کارت استخبارات خارجی در جیب های شان موجود میباشد..."

وزیر امور داخله دولت اشرف غنی نیز طی یک صحبت تلویزیونی با صراحت گفت که " عده بی درون نظام به نفع تروریستان کار میکنند"

آنچه باز هم برای مردم افغانستان تعجب آور بود، این بود که علی رغم آنهمه سروصداها، افشاگریها و اظهارات رسمی، رییس جمهور هیچگونه واکنشی در این راستا از خود بروز نداد. این کرختی، انفعال و سکوت رییس جمهور در حالی بمشاهده میرسید که خودش دریکی از سخنرانی هایش گفت که " سازمان استخبارات نظامی پاکستان یک جنگ خاموش را علیه افغانستان راه انداخته است."

این تنها نبود، سایر کشور های همجوار نیز با در نظر داشت منافع سیاسی و اقتصادی در ازمدت خویش، نه تنها به نحوی در ارتباط با گروه های تروریستی مختلف غرض ضربت زدن به منافع ملی افغانستان و حضور نیروهای خارجی رقیب قرار داشتند، بلکه با استخدام جواسیس شان در رده های بالای دولتی، پارلمان، دستگاه های امنیتی و سایر نهاد های مهم

وحتا گسیلِ وقتاً فوقتاً جاسوسانِ کارکشته و مجربِ شان بداخل افغانستان، غرضِ توطئه و تبنایِ خطرناکِ ضد افغان و افغانستان دخالت دارند. رحمت الله نبیل رییس اداره امنیت ملی افغانستان که در آغازِ ماه آگست 2012م برای وکلای پارلمان صحبت میکرد، گفت :

" اخیراً پانزده تن از کارمندان { بلند رتبه } حکومتی را به اتهامِ جاسوسی به پاکستان و ایران بازداشت کرده اند"

او همچنان افزود که "در ادارات حکومتی کشور تعدادی اند که به نفع کشور های پاکستان و ایران جاسوسی میکنند و شماری از این افراد را دستگیر کرده اند..." آقای " نبیل دربخش دیگری از سخنان خود، خطاب به وکلای پارلمان گفت : " بیش از سه صد و پنجاه جاسوسی را که قصد داشتند با داشتن اسناد جعلی داخل صفوف نیرو های امنیتی کشور گردند، دستگیر کرده اند..." (94)

انورالحق علمی رییس کمیسیون امور دفاعی و تمامیت ارضی در پارلمان افغانستان، طی یک مصاحبه با خبرنگاران در برلین گفت : " من به صراحت میتوانم بگویم که فعلاً افراد غیر افغان در اداره ی پولیس، اردو و امنیت ملی و حتا در پارلمان و ارگانهای مهم دولتی حضور دارند. . . در کشوری که مرز های مشخص و کنترل شده ای ندارد و هویتِ نیمی از مردمش کاملاً مشخص نیست، امکان هرگونه مداخله ممکن میباشد . " وی همچنان افزود که " حوزه ی انتخاباتی من ولایت قندهار است و من خود در انتخابات گذشته شاهد بودم که کارت انتخاباتی زنان بدون عکس و بسته بندی شده به صندوق ها ریخته میشد و اصلاً کنترولی وجود نداشت ... گزارش میرسید که افرادی از آن طرف مرز ها در انتخابات ریاست جمهوری گروه گروه شرکت میکردند . در این موضوع هیچ شکی نیست . "

همچنان، میر احمد جوینده معاون کمیسیون روابط بین المللی پارلمان افغانستان در یک مصاحبه با تلویزیون سیمای باختر در برلین گفت : " هیچ تردیدی در حضور نیرو های غیر افغان { بیگانه و جاسوس } در پولیس، اردو ی ملی و سایر ارگانهای دولتی وجود ندارد. در کشوری که در تحت چنین شرایط بخرانی ، مرز هایش باز و نیمی از مردم اش فاقد شناسنامه یا تذکره ی نفوس میباشد و قانون در کشور به مرحله ی اجرا گذاشته نشده ، امکان آن موجود است که بیگانه گان در اکثر تصمیم گیریها ی داخلی و خارجی ما رخنه کرده باشند. " (95)

درمیان آنهمه فعالیت‌های استخباراتی در داخل افغانستان، البته پس از قدرت‌های بزرگ جهان، شبکه‌های استخباراتی ایران و پاکستان، بیشترین نقش و نفوذ را داشتند.

افواهاات در دهه اول هزاره حاضر (قرن بیست و یکم) در افغانستان چنین بود که در قدم اول، دو کشور همسایه افغانستان (ایران و پاکستان) با سؤاستفاده از شرایط ناگوار سالهای اشغال و جهاد، هم احزاب و "تنظیم" های اسلامی - جهادی تحت فرمان و نظارت خویش را در خاک خویش برای آینده افغانستان بنا نهادند و هم همانند شوروی سابق، تعدادی از کادرها و رهبران آنها را بمتابۀ اجنت‌های اطلاعاتی و ستون پنجم در سالهای پس از 2001 میلادی در نهاد های دولتی، قوه مقننه، قضا، ادارات امنیتی و سایر بخشهای حیات سیاسی و فرهنگی افغانستان گماریدند. این تنها نبود.

باید خاطر نشان ساخت که فعالیت‌های جاسوسی مقام های پاکستانی در خاک افغانستان تازه گی نداشته بلکه دارای سابقه تاریخی نیز میباشد. آنچه در این زمینه تاره گی دارد، عبارت از شتاب، عمق و گسترش این فعالیت‌های خرابکارانه جانب پاکستان است که پیوسته و بدون هیچگونه ممانعتی، علیه هستی اجتماعی، استقلال سیاسی، تمامیت ارضی و منافع ملی مردم افغانستان صورت می گیرد. سیر این فعالیتها البته در سالهای دهه هشتاد و پس از آن، در حالی شتاب گرفت و گسترش یافت که تنظیم های اسلامی - جهادی در خاک پاکستان پناه جُستند و بگونه (آگاهانه و یا غیر آگاهانه) در خدمت شبکه جاسوسی آن کشور قرار گرفتند. این فعالیت‌های استخباراتی پاکستان علیه مردم افغانستان، در سالهای امارت گروه طالبان به اوج خود رسید.

هرگاه بخواهیم ریشه های دیرینه و عمیق جاسوسی پاکستان علیه افغانستان را دریابیم، بهتر خواهد بود به صفحات (204 و 205) جلد دوم "افغانستان در مسیر تاریخ" تألیف روان شاد میر غلام محمد غبار مراجعه کنیم که نوشت: "... سفارت انگلیس در دوران جنگ {جنگ جهانی دوم}، موافقت صدر اعظم {سردار محمد هاشم خان} را حاصل کرد که تا اختتام جنگ، برای کنترل تمام افغانستان، دستگاه جاسوسی انگلیس تحت نظر سفارت برتانیه در کابل تأسیس گردد. این دستگاه به عجله

و در نهایت ساده گی از اشرار ساده و جاهل افغانستان درواحد های ده نفره تحت قیادت یکنفر "دهباشی" در مناطق عمده شهرها وجوار راه های عمومی و قصبات تشکیل گردید. دهباشی ها بایستی دارای سواد میبودند ومعاش ماهانه خود ونفری متعلقاً خود را از مامورین و نمایندگان سفارت برتانیه حاصل میکردند. دولت افغانستان این عمل را در فعالیت وظیفه وی شان آزاد و مأمون میداشت. وظیفه اینها عبارت بود از دیدن و شنیدن واقعات در منطقه محوله و دادن راپور به دهباشی، رسانیدن این راپور ها به مقامات انگلیس وظیفه دهباشی بود. در اوایل، اینکار سهل وساده بود. مثلاً جاسوس، عبور یک طیاره، ورود یا عبور یک مسافریا یک مامور، نظریه فرد یا منطقه را راجع به جنگ ودول متحارب و امثال آنرا به دهباشی روزمره اطلاع میداد و دهباشی آنرا به مرجع اصلی تقدیم میکرد. بعد ها این دستگاه انکشاف کرد و به شکل یک دایره منظم جاسوسی وضد جاسوسی انگلیس درآمد که حتی دربرابر افغانستان نیز بحیث یک دستگاه متخاصم مبدل گردید. محتاج تذکر نیست که محمد هاشم خان با چنین عملی بیسابقه، معناً کشور افغانستان را تحت دومنیون دشمن گذاشت و اخلاق ملی را زیر تهدید طویل المدتی قرارداد؛ در حالیکه از اجرای چنین خیانت خاموش و بیصدا در ابتدا هیچکس مطلع نبوده تنها خانواده حکمران و عمال بزرگ جاسوسی انگلیس ازین " سر و راز " اطلاع داشتند و بس. یکی از وابسته گان خانواده حکمران عبدالحسین خان عزیز که ازین اسرار آگاهی داشت و پسر محبوبش عبدالحی خان عزیز که بعداً عضو حزب وطن و اینک با 12 نفر اعضای حزب محبوس سیاسی بود(سال 1952) این " اسرار" را با نگارنده در میان گذاشت؛ در حالیکه آوازه این موضوع قبلاً در بین روشنفکران پخش گردیده بود. بعد از آنکه جنگ جهانی خاتمه یافت وسفارتخانه جرمنی در کابل مسدود شد( می 1945) وهم دو سال بعد، دولت انگلیس مجبور به تخلیه هندوستان گردید، باز هم دستگاه جاسوسی سابق الذکر او در افغانستان باقی ماند و چون دیگر، خزینه هندوستان در اختیار انگلیس نبود، لهذا دستگاه مذکور سالم ودست نخورده بحیث میراث به دولت پاکستان منتقل گردید..."

ممالک بزرگ مانند امریکا، انگلستان، آلمان، فرانسه، کانادا، روسیه و دیگران نیز با استفاده از فرصت پیش آمده، نه تنها افراد مورد نظر شان را در ارکان دولت افغانستان بشمول نهاد های نظامی و امنیتی جا بجا کردند، بلکه صدها تن عوامل نفوذی و اطلاعاتی رژیم های شان را نیز بگونه مستقیم و ظاهراً تحت عنوان "مشاور" و "متخصص" و "آموزگار" و کارمند " ان.جی.او" وارد کشور نمودند.

شبکه اطلاع رسانی افغانستان در ماه ژوئن 1392م، مطالبی را تحت عنوان " امریکاییها آسایش را بر مردم ما حرام کرده اند " توأم با عکس هایی از وسایط جاسوسی به نشر رسانید که اینک، گوشه هایی از آن را در اینجا درج میکنم :

" در ادامه جاسوسی های کاخ سفید از مناطق مختلف کشور که معمولاً بصورت پنهانی صورت میگرفت، این بار نظامیان امریکایی دست به جاسوسی علنی و آشکار از زنده گی مردم افغانستان زده اند... شواهد موجود نشان میدهد، در پایگاه های خارجی که رییس جمهور کرزی وجود آنها را برای ثبات افغانستان ضروری میداند، بالونهای جاسوسی وجود دارد که مقامات خارجی از طریق آنها همه فعالیت های منطقه را تحت نظر دارند. این بالونها که چشمان خارجی ها محسوب میشود؛ مجهز به چند دوربین و میکروفون هستند که میتوانند تصویر و صدا را به طور زنده ارسال کنند و تا ده روز در آسمان به حرکت خود ادامه دهند... نفوذ این بالونهای جاسوسی در آسمان کشور، حتی زنده گی خصوصی مردم را تحت تأثیر قرار داده به حدی که بسیاری از مردم ساکن در حوالی پایگاه های نظامی، نگران نظارت زنده گی خود توسط خارجی ها هستند. . . شما تصور کنید در شبهای گرم تابستان در پشت بام خانه خوابیده اید یا خانواده شما در حیاط خانه سر گرم کارهای منزل میباشند، بعد یک دور بین با کیفیت اچ . دی تمام اتفاقات خانه شما را برای نظامیان خارجی بصورت آنلاین ارسال کند، آیا این، تجاوز به حریم خصوصی زنده گی دیگران نیست ؟

خانم شکیبا هاشمی نماینده قندهار نیز گفت که : " طبق بررسی های انجام شده، مردان تا چهل و پنج فیصد و زنان تا هفتاد فیصد فاقد کارت هویت یا تذکره ی نفوس هستند. در چنین شرایط هرکس به زبان فارسی و یا پشتو صحبت نماید و لباس افغانی بپوشد، میتواند بدون مشکلات در انتخابات شرکت کند. "

بهمین اساس است که تحلیلگران دقیق سنج گفتند، تا وقتی که مرزهای کشور معین و مشخص نگردند و بگونه مؤثر تحت کنترل در نیایند، مملکت از وجود عناصر اجنبی پاک سازی نشود و این پاکسازی (تفکیک شهروندی افغان از غیر افغان) در اداره پولیس، اردو و نهاد های امنیتی صورت نگیرد، نه همسایه ها از مداخلات شان دست بر میدارند و نه امنیت در کشور تأمین میگردد.

بهمین سلسله، " ویلیام کالدویل"، یکی از فرماندهان نظامی امریکا که مسوولیت آموزش



امنیتی نیروهای افغانی را به عهده داشته است، در سالهای اخیر (ماه اپریل 2011م) در " چتم هاوس " لندن علناً اظهار داشت که " از تابستان گذشته تا حال به تعداد 222 مامور استخباراتی (برای امور نظامی افغانستان) آموزش دیده و تا آخر سال، این تعداد به چهارصد و چهل و پنج نفر بالغ خواهد گردید. "

در عین حال، خبرگزاری بی بی سی در ماه اکتوبر 2013م به نقل از روزنامه " دیلی تلگراف " لندن نوشت که " سازمان اطلاعات مخفی بریتانیا (ام.آی-6) خواستار افزایش جاسوسان خود در افغانستان شده است... ام.آی-6 خواستار استخدام کارمندان بیشتر از دیگر بخش های اطلاعاتی بریتانیا شده که متخصص امور افغانستان هستند. "

در گزارش آمده بود که " بریتانیا در افغانستان، بیشتر به اطلاعات نظامی متکی بوده است و زمانیکه نظامیان این کشور افغانستان را ترک میکنند، بریتانیا با یک خلا بزرگ اطلاعاتی در افغانستان مواجه خواهد شد... حالا ام. آی -6 می خواهد تحلیلگران نظامی بریتانیا را که در افغانستان کار های زیادی انجام داده اند، استخدام کند تا از اوضاع داخلی افغانستان پس از سال 2014 م همچنان با خبر بماند. "

این نکته نیز گفتنی است که با اساس این گزارش، مقام های بریتانیایی گفته اند که " می خواهند تا دوصد مشاور نظامی را نیز پس از پایان سال 2014م در هلمند نگهدارند. "

ایالات متحده آمریکا نیز در سالهای اخیر (2010-2011م) بیشتر از دو هزار " کارشناس " امریکایی را بنام آنکه " افغانها را در امور ملکی کمک میکنند"، وارد افغانستان نمود که در حقیقت، همان کارشناسان امور اطلاعاتی در رشته های مختلف مورد نیاز آن کشور اند که در خاک افغانستان مشغول خواهند بود.

در یک جزوه رسمی و منتشر شده وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا، ضمن شرح پالیسی جدید " اوباما " رئیس جمهور آن کشور در مورد افغانستان، آمده است: " کارشناسان ملکی در افغانستان، از سه صد تن در سال 2009 به یک هزار تن در سال 2010م افزایش می یابد و با هم این تشکیل، در سال 2010م از بیست تا سی درصد دیگر نیز بالا خواهد رفت و در وزارتخانه

های کلیدی غرض انجام خدمت جابجا خواهند شد... هریک از کارشناسان امریکایی با ده نفر از افغان دیگر کار خواهد کرد... افراد مُلکی امریکا، حتا پس از آنکه وضع امنیتی بهتر هم شود، بصورت دائمی باقی خواهند ماند... " (96) این به اصطلاح کارشناسانِ مُلکی، غالباً جِز همان جاسوسانِ مؤظف در امور حیاتِ ملی مردم افغانستان، کسان دیگری نخواهند بود.

اداره امنیتِ ملی افغانستان در هفتهٔ اولِ ماه سپتمبر سال 201م اعلام نمود که یکی از جواسیسِ حرفه یی یک کشور همسایه (حکومت پاکستان) را در شهر کابل دستگیر نموده اند. ادارهٔ مذکور علاوه نمود که جاسوسِ دستگیر شده به زبانهای فارسی و پشتو بلدیت دارد و " به هدفِ کشفِ محرم ترین اسرارِ نظامی نیرو های مسلح دولت افغانستان و بین المللی، وارد افغانستان شده بود. "

اداره امنیتِ ملی افغانستان در اواخرِ سالِ 2014 میلادی گزارش داد که اجنت های شبکهٔ استخباراتِ نظامی پاکستان بنام های فدا محمد ازگرم اجنسی، نثار محمد از تیرا، داکتر سید اکبر از چترال و عدنان از مهمند اجنسی را دستگیر نموده اند. همین اداره همچنان افزود که یک تبعهٔ افغانستان بنام " جلیل " ساکن شهرکِ خاکِ جبار کابل را که برای آی.اس. آی جاسوسی میکرد، نیز دستگیر نموده اند.

یکی از اعضای هیأتِ اداری پارلمانِ افغانستان در ماه حوت سال 1390 خورشیدی رسماً اظهار داشت که " افرادی که برای کشورهای دیگر جاسوسی میکنند، حتی تا دفتر رییس جمهور نفوذ کرده اند... شمارِ بیشتر افرادِ بلند پایه در دولت افغانستان برای کشورهای دیگر کار میکنند... استخباراتِ کشور های همسایه در نهاد افغانستان نفوذ کرده و مُهره هایی را در پُست های مهم دولتی گماشته است "

آقای زلمی زابلی رییسِ کمیسیونِ سمعِ شکایاتِ مجلسِ سنای افغانستان رسماً اعلام نمود که " والی قندهار (توریالی ویسا)، جاسوسِ کانادایی است، نه شخصِ ملی و او هیچگاه به مجلسِ سنا حاضر نمیشود... والی قندهار توسط حکومتِ افغانستان نه، بلکه توسط حکومتِ کانادا به این سمت گماشته

شده است .. . تمام محافظینِ توریالی ویسا سربازانِ کانادایی اند و او نیرو های امنیتی افغانستان را برای تأمین امنیت خود قبول نکرده است... " (90)

## جوایس آی.اس.آی با دستهای دراز افغانستان

هرچند در مورد آی.اس.آی که در اصل مخفی و نیز، **Inter-Services Intelligence** میباشد، راجع به سال تأسیس، سیر فعالیتها و شعبات چندگانه آن در جلد اول کتاب " نقش پاکستان در تراژیدی خونین افغانستان " توضیحات لازم ارائه گردیده است، با آنهم چون هنوز دست بازیها و خرابکاریهای این شبکه جهانی در منطقه و بخصوص در افغانستان، بیشتر از هر شبکه اطلاعاتی دیگر ادامه داشته اوضاع کشور ما را سخت آشفته نگه داشته است، بنابراین، خواستم یکبار دیگر در همین بخش از کتاب حاضر نیز مروری کوتاهی پیرامون این پدیده پلید داشته باشیم:

همینکه پاکستان در نتیجه تمهید سیاسی - استعماری درازمدت بر تانیه و در اثر تجزیه دردناک و خونین شبه قاره هند در سال 1947 میلادی عرض اندام نمود، دو سازمان جاسوسی بنام های " اداره اطلاعات " یا (آی بی) و اطلاعات نظامی یا (ام آی) در چارچوب حکومت جدید آن کشور ایجاد گردید. اما چون در جنگی که در همان سال (1947م) بر سر معضله کشمیر میان هند و پاکستان صورت پذیرفت، این دو سازمان استخباراتی نتوانستند وظیفه شان را بگونه مؤثر انجام دهند، بنابراین، جنرال " کاوترون " استرالیا الاصل انگلیسی که هنوز با تعداد دیگری از جنرالان هند بر تانوی، رتق و فتق امور پاکستان را برای علی جناح و سایر رهبران جدید پاکستان انجام میدادند، در سال 1948 م دست به ایجاد شبکه استخبارات جدید یا (آی.اس.آی) زد و افسران و کارمندان آنرا از میان نیرو های سه گانه (زمینی، بحری، هوایی) برگزید.

شبکه مذکور در سالهای بعد و در تحت امر و دستور زعمای مختلف آن کشور و در پرتو اوضاع و احوال سیاسی - اجتماعی پاکستان، ابعاد وسیع تر و متفاوت تری بخود گرفت. مثلاً جنرال

محمد ایوب که در سال 1958 میلادی به کرسی ریاست جمهوری پاکستان تکیه زد، وظایف و تشکیلات آی.اس.آی را گسترش داد و اختیارات بیشتری به آن بخشید. پانزده سال پس از آن، یعنی در سالهای 1965 و 1966 میلادی، با در نظر داشت چرخ اوضاع سیاسی - اجتماعی در پاکستان شرقی (بنگله دیش امروزی) و خیزشهای آزادیخواهانه خلق بلوچ، باز هم کاهش و افزایش خاص در تشکیلات و صلاحیت های کاری این شبکه وارد گردید.

شبکه استخبارات ارتش پاکستان (آی.اس.آی) پس از زعامت ذولفقار علی بوتو و بقدرت رسیدن جنرال ضیا الحق (1977م)، بخصوص در بوجوه اشغال نظامی افغانستان توسط قوای روسی و جهاد مردم افغانستان، از رهگذر مالی، فنی و تشکیلاتی وسیعاً گسترش یافت و بیشتر از قبل، افراد و تشکلات سیاسی و رهبران و فعالیتهای آنها را در سراسر پاکستان و حتا اوضاع افغانستان را تحت تأثیر و مراقبت جدی قرارداد. علاوه، آی.اس.آی در بخش پشتیبانی و حمایت از شبه نظامیان مخالف دولت هند و بخصوص، جنبش تحریک سیکهای آن کشور (خالستان) نقش عمده را بر عهده گرفت.

شبکه مذکور وقتی به اوج قدرت و توانایی رسید که در افغانستان کودتای هفت ثورو متعاقب آن اشغال نظامی کشور توسط قشون روسی بوقوع پیوست. کشورهای غربی به سردمداری ایالات متحده آمریکا برای آنکه شوروی آن روز یا رقیب بزرگ جهانی شان را در کوهپایه های افغانستان به زانو در آورند، بصورت عمده از ناحیه نظامی و اطلاعاتی به پاکستان و شبکه استخبارات نظامی آن کشور (آی.اس.آی) اتکا نمودند. بهمین دلیل عمده بود که تشکیلات استخباراتی آمریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان، اسرائیل، ایران، مصر، عربستان سعودی و امثالهم، از نظر مالی، تخنیکی و تاکتیکی، مشترکاً به تقویت و بزرگ سازی این شبکه استخباراتی پرداختند. سالهای اشغال افغانستان توسط نیروهای روسی و جهاد مردم این کشور علیه اشغالگران باعث گردید که با سرآزیر شدن میلیارد ها دالرو دینار و هزاران تن وسایط پیشرفته جنگی و آموزشهای دقیق علمی و اطلاعاتی بخاک پاکستان، آی.اس.آی

قادر گردد نه تنها کلیه رشته های سیاسی و اقتصادی پاکستان را به چنگ آورد، بلکه علیه کشورهای هند و افغانستان و سایر کشورهای منطقه، با قدرت و توانایی بیشتر دست بکار شود، تا آنجا که گفته میشود اکنون تعداد کارمندان آن به ده هাজার تن بالغ می گردد و از رهگذر قدرت و صلاحیت در پاکستان، حرف اول و آخر را میزند. باید گفت که نه تنها هیچ مرجع بالاتر و یا با صلاحیت تر نسبت به آی.اس.آی در پاکستان سراغ شده نمیتواند، بلکه این سازمان، در تمام ترورهای سیاسی، قاچاق مواد مخدر، قاچاق و فروش ابزار و فناوری هسته یی، پرورش، حفاظت و صدور تروریست ها بخارج و بالاخره، توطئه ریزی و مداخله در امور کشورهای همسایه دست داشته در عین حال، حامی بزرگ و قدرتمند تنظیم های بنیادگرای اسلامی و رهبران آنها و نیز شبکه های تروریستی به شمول گروه طالبان بحساب می رود.

یکی از ژورنالیستهای مشهور پاکستانی بنام ( سلیم شهزاد ) نوشت :

"... ارتش پاکستان و آی.اس.آی در ذات خود خاص اند، چون کاملاً به طور مستقل عمل می کنند و توسط هیچ کس نظارت نمی گردند. آنان در مقابل تمامی اقدامهایی برای این که تحت کنترل شهروندان ملکی قرار گیرند، ایستادند. هر چند مطابق قانون اساسی، ارتش باید به پارلمان منتخب کشور گزارش دهد، ولی بدون چون و چرا آنان به فعالیت های شان ادامه می دهند. نهادهای امنیتی کشور، امنیت و سیاست خارجی پاکستان را به پیش می برند. آیا ممکن است دستداران ارتش پاسخ دهند که در کدام بخش دیگر جهان چنین می شود؟ "

باید در همینجا بیفزاییم که جنرال ضیا الحق نه تنها با ارتکاب عمل کودتا، در حق ولینعمت خود (ذولفقار علی بوتو) خیانت نمود، بلکه سعی بسیار بعمل آورد تا ارتش پاکستان را اسلامیزه نماید. چنانکه به مرور زمان، افکار و اندیشه های بنیادگرایانه منسوبین ارتش با افکار و اندیشه های عقب گرایانه تشکلات مذهبی و رهبران آنها، (البته با تلاشهای حساب شده شبکه آی.اس.آی) در آویخت و اکثریت افراد، احزاب دینی - مذهبی و رهبران آنها در خدمت این شبکه جاسوسی قرار گرفتند.

شبکه جهانی (آی. اس. آی)، تا آنجا که افشا گردیده است، دارای ده شعبه آتی میباشد:

کمیته اطلاعات مشترک

، اداره اطلاعات مشترک

، اداره ضد اطلاعات مشترک

اطلاعات مشترک شمال

، اطلاعات مشترک متفرقه

، اطلاعات مشترک سیگنال

، اداره اطلاعات فنی

، اداره اس. اس. دی

، اداره سیاست داخلی

اداره خاص برای ترور افراد و اشخاص

صلاحیت های این سازمان، از امور داخلی تا مسایل خارجی را احتوا نموده و کشورهایمانند چین، افغانستان، هندوستان، آسیای جنوبی، کشورهای شرق میانه و ممالک تازه به استقلال رسیده آسیای مرکزی، چین، بحرین، سودان، ترکیه و یمن را تحت پوشش قرار میدهد. چون سیاستمداران پاکستانی و بخصوص جنرالان ارتش و استخبارات آن کشور، از بدو تأسیس پاکستان، دو همسایه شرقی - غربی خویش (هند و افغانستان) را دشمنان اصلی خویش بحساب آورده اند، بنابراین، تاحال کوشیده اند اولترازمه، عمده ترین و عمیق ترین تخریبات شان را بر ضد همین دو مملکت انجام دهند. گفته شده که مقام های پاکستانی، سالیانه تنها در جمو و کشمیر و در جهت ضربه زدن به هندوستان، مبلغ یکصد کرور روپیه را بمصرف میرسانند.

حکومت پاکستان، بدون تردید، از چند دهه بدینسو با سؤاستفاده از عطلتها و نا رسایی های رژیم های گذشته در افغانستان و بویژه، با فرصت طلبی های ناجوانمردانه در بحبوحهٔ اوضاع خونین پس از کودتای ثور (1357 خورشیدی)، متأسفانه در امور داخلی و سرنوشت ملی ما دست دراز داشته صدها و هزارها جاسوس فعال در خاک پاک ما جابجا کرده است. بهمین سلسله، در سالهای پس از سقوط امارت طالبان، گزارشهایی مبنی بر شناسایی و دستگیری جاسوسان پاکستانی و تشوشات افکار عامه در مطبوعات کشور به نشر میرسیدند. مثلاً، منابع امنیتی کشور اطلاع دادند که " دو تبعهٔ پاکستانی قبل از انجام حملهٔ انتحاری و تخریب پل در ولسوالی {شهرک} دل آرام ولایت فراه؛ شب گذشته توسط پولیس سرحدی بازداشت شدند. " (86)

قبل از آن در سال 2006 میلادی نیز منابع رسانه یی افغانستان افشا نمودند که " شخصی بنام خیرمحمد که قبلاً افسر ریاست کشف و استخبارات وزارت دفاع بوده و اخیراً بحیث افسر احتیاط این وزارت کار میکرد، به جرم جاسوسی به سازمان استخبارات پاکستان (آی.اس.آی) بازداشت گردید... " منبع گفت که " خیر محمد گفته که در این سفر ها، با دو تن از افسران ارشد آی. اس. آی نیز معرفی شده و افسران پاکستانی از او تقاضا کردند تا در مورد تشکیل وزارت دفاع، موقعیت پایگاه های ائتلاف و آیساف در کابل و شماره های تلفون مسوولان ارشد امنیت ملی و وزارت دفاع، برای آنان اطلاعات جمع آوری کند... او همهٔ این اطلاعات را جمع آوری و توسط شخص ارتباطی به نصرالله بابر فرستاده است ... " (87)

همین شبکه همچنان گزارش داد که : " یک کارمند سازمان استخبارات پاکستان در ولایت کنر از سوی نیرو های امنیتی کشور بازداشت گردیده که در اعترافات خود از همکاری نزدیک آن سازمان با رهبر شبکه ی القاعده سخن گفته است . " منبع خبری مذکور، نام این جاسوس را سید اکبر فرزند گل اکبر مسکونهٔ منطقه ارند چترال معرفی نمود. (88)

همچنان از قول وزارت دفاع افغانستان گفته شد که : " سیزده نفر از اتباع پاکستان از ولسوالی اسپین بولدک ولایت قندهار در یک عملیات مشترک نیرو های امنیتی افغان و قوای ائتلاف گرفتار شدند. " منبع وزارت دفاع گفت که این سیزده نفر پاکستانی که غرض فعالیت های تروریستی وارد

افغانستان شده بودند، از نزد شان دستگاه مخابره، دویپه تلفون ثریا، سه عراده موتریکپ، بیست پیشکه تیل دیزل، سیزده تخته بستره چریکی و مواد انفجاری بدست آمد است . (89)

اداره امنیت ملی افغانستان در هفته اول ماه سپتمبر سال 2011م اعلام نمود که یکی از جواسیس حرفه پی یک کشور همسایه (حکومت پاکستان) را در شهر کابل دستگیر نموده اند. اداره مذکور علاوه نمود که جاسوس دستگیر شده به زبانهای فارسی و پشتو بلدیت دارد و " به هدف کشف محرم ترین اسرار نظامی نیرو های مسلح دولت افغانستان و بین المللی، وارد افغانستان شده بود. "

البته سلسله شناسایی ها و دستگیریهای جواسیس پاکستانی، تا شب و روزیکه این سطور نگاشته میشدند (مارچ 2014م) در ولایات مختلف کشور توسط نیروهای کشفی و امنیتی افغانستان ادامه داشت. حتا باساس گزارشهای اداره امنیت ملی، تعداد زیادی از جواسیس و تروریستهای پاکستانی در حالیکه برقع یا چادری زنانه به سر داشتند و یا در حال انتقال سلاح یا مواد منفجره بودند، شناسایی و دستگیر شدند.

رؤسای پُر قدرت این شبکه استخباراتی، از سالهای زعامت جنرال ضیا الحق تا امسال (2014م)، اینها بوده اند :

جنرال اختر عبدالرحمن

جنرال حمید گل

جنرال اسد درانی

جنرال محمود احمد

جنرال احسان الحق

جنرال اشفاق پرویزکیانی

جنرال ندیم تاج



جنرال احمد شجاع پاشا

جنرال ظهیرالدین اسلام

جنرال رضوان اختر

قدرت نمایی شبکه‌ی آی.اس.آی و جنرالانِ مربوط بدان به حدی علنی و متکبرانانه است که در ماه‌های اخیر سال 2014م پوسترهای رؤسای این اداره به روی خیابانهای پایتخت به نمایش گذاشته می‌شد که یکی از آن پوسترها را در اینجا ملاحظه می‌فرمایید:

جنرال ظهیرالدین اسلام رییس آی. اس. آی (سمت چپ) و رییس ارتش پاکستان (سمت راست)

- بهمین سلسله، ریاست امنیت ملی افغانستان در ماه حوت 1390 خورشیدی اعلام نمود که " چهار نفر کارمند دولت را به اتهام جاسوسی برای کشورهای همسایه بازداشت کرده است . " گفته شد که یکی از این دستگیرشده‌ها، یک کارمند پایین رتبه وزارت امور خارجه افغانستان بوده است .
- برخی از رسانه‌های افغانی، آگاهان سیاسی و عناصری از " جامعه مدنی " و حتا عده‌ی بی از اعضای پارلمان افغانستان بگونه آشکار می‌گفتند که جواسیس کشور های همسایه و ممالک غربی در تمام نهاد های دولتی، بخصوص در چهارچوب تشکیلات ارگ ریاست جمهوری نفوذ کرده اند. بهمین سلسله، از قول " جاوید لودین " معاون سیاسی وزارت امور خارجه افغانستان گفته شد که : " کریم خرم { رییس دفتر رییس جمهور } بصورت متواتر از رابطه های استخبارات پاکستان برای همسویی مقامات بلند پایه دولت، برخی از وکلای پارلمان، والی ها و برخی از رسانه های وابسته به وی همچون روزنامه ویسا، جهت همسویی با منافع پاکستان در افغانستان، ملیونها دالر پول دریافت کرده ... " (91)
- همچنان علاوه شد که " جاوید لودین که اکنون به عنوان مقام عالیرتبه در وزارت امور خارجه فعالیت دارد، به بخشی از این اسناد دست یافته و برخی از روابط خرم با آی اس آی را دریافته است .... "

در گزارش مذکور علاوه شده که " مبالغ دریافت شده توسط کریم خرم در چند سال گذشته از استخبارات پاکستان، به بیش از بیست میلیون دالر میرسد که برای همسویی مقامات و رسانه هایی چون ویسا و چند سایت انترنتی به مصرف رسیده است. " (92)

- قرار گزارش خبرگزاری بی بی سی مؤرخ هفدهم ماه جون 2013م، حامد کرزی خود گفته است که " سازمان جاسوسی و دستگاه های نظامی پاکستان، افغانستان را بی ثبات کرده اند. " وی ضمن مصاحبه با خبرنگار تلویزیون " جیو " گفت که سازمان جاسوسی پاکستان ( آی اس آی ) با استفاده از " افراطیت مذهبی " تلاش کرده که افغانستان را تضعیف کند... { آنها } میخواهند در افغانستان حکومتی دست نشانده داشته باشند... اقدامات سازمان جاسوسی پاکستان مصیبت و ویرانی به بار آورده و اگر مقام های پاکستانی انتظار دارند که افغانستان خط دیورند را به رسمیت بشناسد و از این طریق افغانستان را به عمق ستراتیژیک پاکستان بدل کنند، به این هدف نخواهند رسید. "
- نمونه بی از اسناد هویتی اجنت های آی اس آی پاکستان که حاملان آن از سوی نیروی های امنیت کشور دستگیر شده اند .

یک منبع اداره امنیت ملی اظهار داشت که : " سید اکبر فرزند گل اکبر مسکونه منطقه ارند چترال اخیراً در کُتر بازداشت شد. او به اتهام انجام فعالیت های استخباراتی به نفع آی اس آی دستگیر شده است . سید اکبر که بعنوان یک کارمند ارشد آی اس آی در چترال کارمینمود ، فعالیتش را در افغانستان بصورت خاص در کُتر، در پوشش یک کلینک صحتی انجام میداد و تحت نظر کرنیل واجد الحق که مسوولیت آی اس آی را در چترال به عهده دارد، وظایف خود را پیش میبرد. " (97) همچنان، رسانه های افغانستان از قول فرماندهی منطقه غرب افغانستان اطلاع دادند که " دو تبعه پاکستان قبل از انجام {دادن} حمله انتحاری و تخریب پُل در ولسوالی { شهرک } دل آرام ولایت فراه، شب گذشته توسط پولیس سرحدی بازداشت شدند... یونس رسولی معاون والی فراه گفته است " این افراد باشندگان ایالت پنجاب و قبایل سرحدی پاکستان میباشند... " (98)

رسانه های افغانی همچنان اطلاع دادند که " مسوولان امنیت ملی در ولایت هلمند، یک تبعه پاکستانی را که قصد حمله انتحاری را داشت در ولسوالی سنگین این ولایت بازداشت نمودند... شخص بازداشت شده، زکیم الله باشنده اصلی میرامشاه پاکستان میباشد. موصوف در جریان اعترافات خود

گفته است که به دعوت مولوی شهريار یکی از قوماندان های بیت الله محسود برای حمله انتحاری آماده شده بود... (99)

سخنگوی رییس جمهور افغانستان در برابر خبرنگاران اظهار داشت که " ما باور کامل داریم که در حادثه این انفجار، استخبارات پاکستان دست داشت ... (100) در پیوند با سلسله همین نوع فعالیت های جاسوسی بود که یک حمله خونین انتحاری در نیمه های ماه جولای 2008 میلادی در مقابل سفارت هند در کابل صورت گرفت که موجب مرگ چهل نفر و جراحات یکصد و چهل و یک نفر دیگر گردید. رسانه های کابل از قول منابع امنیتی و سخنگوی ریاست جمهوری افغانستان نوشتند که " استخبارات خارجی در این حمله تروریستی دست داشتند..."

فرهاد عظیمی عضو هیأت اداری مجلس {پارلمان افغانستان} میگوید که " شماری از افراد بلند رتبه دولتی برای کشورهای دیگر کار میکنند... افرادی که برای کشورهای دیگر جاسوسی میکنند حتی تا دفتر رییس جمهور نفوذ کرده اند... این در حالیست که ریاست امنیت ملی به تازگی 4 کارمند دولت را به اتهام جاسوسی برای کشورهای همسایه بازداشت کرده است ... حتی شماری از افراد در مجلس نمایندگان نیز وجود دارند که برای کشورهای دیگر کار میکنند... (101)

وجود جواسیس خارجی در نهاد های حساس دولت افغانستان تا آنجا پُر سرو صدا گردید و به رسانه های داخلی، درون پارلمان و مجلس (سنا) ره پیمود که بالاخره بحث های خیلی داغ تلویزیونی، نگارش مطالب و مقالات متعدد، انتقاد های شدید شهروندان کشور و حلقهات روشنفکری را برانگیخت. بخصوص این موضوع مهم در سال اول زعامت داکتر اشرف غنی، تحت عنوان حضور و فعالیت (ستون پنجم)، آنهم در درون ارگ ریاست جمهوری، وزارت دفاع، امنیت ملی، پارلمان و نیرو های امنیتی و غیره، فریاد ها و افشاگری های زیادی صورت گرفت و حتا نام تعدادی از کارمندان بلند رتبه دولت افغانستان نیز در همین ارتباط تذکر داد شد. مبصرین و رسانه های افغانی استدلال میکردند که علاوه از وجود جواسیس کشورهای بزرگ، مخبرین و فعالین شبکه استخبارات نظامی پاکستان (ای.اس.آی) در تمام بخش های تصمیم گیری و تشکلات امنیتی کشور جابجا شده و پیوسته به سود شبکه

متذکره کار میکنند. اما، باز هم متأسفانه اندکترین صدایی و اقدامی از سوی رییس جمهور  
وسایر صلاحیتداران افغانستان در این مورد دیده و شنیده نشد.  
( ادامه دارد )